

فرصت‌ها و چالش‌های عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای

محمدصادق کوشکی^۱

استادیار مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

سید محمود حسینی

دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۱۶ - تاریخ تصویب: ۹۴/۶/۱۱)

چکیده

سازمان‌های منطقه‌ای راهی برای دستیابی به منافع راهبردی کشورها هستند که بر پایه اهداف و منافع مشترک کار می‌کنند. امروزه سازمان همکاری شانگهای نیز به‌عنوان یک سازمان مهم منطقه‌ای مطرح است. سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱ با حضور کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان به‌وجود آمد. در این میان، جمهوری اسلامی ایران همواره خواهان دستیابی به عضویت دائم در این سازمان بوده است. سؤال اصلی مقاله این است که اهداف و منافع ایران از عضویت در سازمان همکاری شانگهای چیست؟ در ادامه ضمن توجه به زمینه‌های تکامل سازمان همکاری شانگهای، منافع عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در این سازمان را برمی‌شماریم و جدا از این فرصت‌ها، به چالشی‌هایی که برای دستیابی ایران به این مهم وجود دارد، نیز پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی ایران، سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان همکاری شانگهای، منافع راهبردی.

مقدمه

ظهور قدرت منطقه‌ای مؤثر جمهوری اسلامی ایران در دهه اخیر یک واقعیت مورد اجماع بیشتر تحلیل‌گران و سیاستمداران است. در واقع، این قدرت توان بازیگری و اعمال نفوذ در موضوعات و مسائل از افغانستان و عراق تا سوریه، لبنان و فلسطین را دارد. با وجود این، در بحث پایداری کارکرد قدرت ایران، مشکلات و مسائلی وجود دارد. غرب آسیا به‌عنوان یکی از چهار منطقه اصلی جهان (در کنار آتلانتیک، اوراسیای مرکزی و پاسیفیک) در یک قرن اخیر برای بهره‌برداری قدرت‌های جهانی اهمیت ویژه‌ای یافته و از این‌رو تلاش قدرت‌های مداخله‌گر خارجی آن بوده که از ظهور یک قدرت منطقه‌ای بومی مؤثر در معادلات این منطقه جلوگیری به‌عمل آورند. برخورد قدرت‌های بزرگ با دولت‌های مصدق و جمال عبدالناصر و انقلاب اسلامی ایران در این چارچوب قابل تحلیل است. جدا از این مسائل، ایران با توجه به شرایط مناسب و ظرفیت‌های موجود در منطقه غرب آسیا، تاکنون نتوانسته ترتیب و ساختار مؤثری در منطقه ایجاد کند یا در ساختارهای مهم موجود در منطقه، نقش درخوری ایفا کند. ایران در ساختارهای موجود مانند اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، کشورهای مستقل همسود (سی ای اس)، گوام و سازمان همکاری اوراسیا نقشی ندارد. جمهوری اسلامی ایران تنها در سازمان منطقه‌ای اقتصادی (اگو) عضو است که براساس آمارهای موجود اهمیتی در مبادلات منطقه‌ای ندارد و کمتر از ۵ درصد فعالیت‌های تجاری دولت‌های عضو را در برمی‌گیرد. ایده جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد بازار مشترک اسلامی و سازمان کشورهای ساحلی دریای خزر نیز با مخالفت عربستان سعودی و روسیه عملی نشده است. از این‌رو تلاش جمهوری اسلامی ایران برای نهادسازی یا عضویت در نهادهای موجود امری طبیعی و ضروری به‌نظر می‌رسد و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای در این زمینه قابل تحلیل است (کرمی، ۱۳۹۵: ۹-۶). به هر حال این مقاله در تلاش است تا ظرفیت‌ها و منافع عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای را برشمرد و همچنین چالش‌های عضویت دائم ایران در این نهاد را بررسی کند.

تأسیس سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱ ایجاد شد، که شامل شش کشور چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان بود و به‌تدریج اعضای این سازمان گسترش

یافت.^۱ در ۱۹ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۰ ژوئیه ۲۰۱۵) هندوستان و پاکستان نیز به عضویت سازمان همکاری شانگهای درآمدند. اکنون جمهوری اسلامی ایران، افغانستان، مغولستان و بلاروس اعضای ناظر این سازمان هستند. از ۱۹ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۰ ژوئیه ۲۰۱۵) ارمنستان، آذربایجان، نپال، کامبوج، ترکیه و سریلانکا نیز به صف متقاضیان عضویت در این سازمان پیوستند. امروزه سازمان همکاری شانگهای بر این نکته تأکید دارد که این سازمان تهدید خارجی خاص یا قدرتی معارض علیه غرب یا آمریکا به‌شمار نمی‌رود و برای حفظ امنیت داخلی اعضا و همگرایی اقتصادی منطقه تأسیس شده است. با این اوصاف، تعداد زیادی از تحلیل‌گران غربی، سازمان همکاری شانگهای را به‌عنوان بلوکی ضدغربی و ضدآمریکایی یا به‌عنوان ابزار ضدغربی دو کشور روسیه و چین برای دستیابی به موازنه متقابل با قدرت ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیا پاسیفیک در نظر می‌گیرند (Kumar, 2013: 344).

در واقع، این تحلیل و تفسیر زمانی که سازمان همکاری شانگهای در اجلاس آستانه (۲۰۰۵) از ایالات متحده آمریکا خواست که پایگاه‌های خود را در آسیای مرکزی تخلیه کند و از حمایت‌های خود از انقلاب‌های رنگی منطقه دست بردارد، تقویت شد. جدا از این مسئله، کشورهای غربی از تعامل سازمان همکاری شانگهای با کشورهایمانند جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی کرده‌اند (Rothacher, 2008: 68). از این‌رو، ایالات متحده آمریکا و بعضی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، سازمان همکاری شانگهای را به‌عنوان سازمانی علیه منافع غرب و عرصه‌ای غیردموکراتیک و تهدیدی علیه منافعشان در نظر گرفته‌اند.

در حقیقت، باید عامل اصلی ایجاد سازمان همکاری شانگهای را تلاش برای حل و فصل چالش‌های امنیتی کشورهای تازه استقلال‌یافته (پس از فروپاشی شوروی) دانست، آن هم در مقطعی که این کشورها پس از استقلال دریافتند که نمی‌توانند به‌طور یکجانبه علیه گسترش سازمان‌ها و فعالیت‌های تروریستی، افراط‌گرا و فعالیت گروه‌های جدایی‌طلب، مقابله کنند و به همین سبب به چندجانبه‌گرایی و ایجاد سازمان همکاری شانگهای رو آوردند (Yuan, 2010: 861). بر این مبنای اهداف سازمان همکاری شانگهای، بر کار جمعی علیه سه محور تروریسم، گروه‌های جدایی‌طلب و افراط‌گرایی و مبارزه علیه گروه‌های تروریستی مانند القاعده و گروه‌های وابسته به طالبان متمرکز شده است (Boland, 2011: 8). از سوی دیگر، اعضای سازمان همکاری شانگهای بر این باورند که افزایش تعامل در این سازمان به بهبود و توسعه تجارت از طریق مرزهای ملی و منطقه‌ای کمک می‌کند و علاوه بر آن کشورهایمانند چین و روسیه

۱. سازمان همکاری شانگهای از نظر جغرافیایی از منطقه قطب شمال تا اقیانوس هند و از کالینینگراد تا شانگهای کشیده شده است و شش عضو دائم این سازمان نزدیک به ۶۰ درصد وسعت منطقه اوراسیا و حدود یک‌سوم جمعیت دنیا را به خود اختصاص داده‌اند (Koolae & Tishehyar, 2013: 43).

می‌توانند به واسطه این سازمان، ابزاری برای توازن و رقابت با هژمونی آمریکا در مناطقی چون آسیای شرقی، آسیای مرکزی و جنوب آسیا فراهم آورند. جدا از این مسائل، از دید تحلیل‌گران، چین که ابتکار عمل را در ایجاد و هدایت سازمان منطقه‌ای شانگهای به عهده گرفته، خواهان تثبیت نقش رهبری خود در منطقه با هدف توسعه اقتصادی - اجتماعی (شامل امنیت انرژی و ثبات اجتماعی داخلی این کشور) است (Norling & Swanstrom, 2007:430).

مبنای ایجاد سازمان همکاری شانگهای، تشکیل گروه مشهور شانگهای پنج در آوریل ۱۹۹۶ توسط چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان است (بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹: ۲). در حقیقت، این گروه در ابتدا به‌عنوان عرصه‌ای برای غیرنظامی کردن و تعیین مرز میان روسیه، قزاقستان و تاجیکستان به‌وجود آمد و علاوه بر آن، اقدامات اعتمادساز را برای حل و فصل نزاع‌های مرزی میان اعضا در دستور کار قرار داد و در این زمینه توافق‌نامه افزایش اعتماد نظامی در مناطق مرزی^۱ را به امضای اعضا رسانید تا آنجا که نزدیک به ۳۰۰ کیلومتر از نقاط مرزی کشورهای عضو به‌سوی غیرنظامی شدن سوق پیدا کرد و نزاع‌های مرزی میان طرفین با اعتمادسازی متقابل رفع و رجوع می‌شد (Matveeva & Antonio, 2008:4).

اهداف و اولویت‌های سازمان همکاری شانگهای

اساسنامه سازمان همکاری شانگهای دربردارنده مجموعه‌ای از اهداف مانند امنیت، ثبات، مبارزه با مواد مخدر و تروریسم، همکاری‌های اقتصادی و تبادلات فرهنگی است (علی‌وند و خلیل‌پور رکن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۷۴). اعضای سازمان همکاری شانگهای اهداف مشترکی دارند که در شمای ذیل به سه اولویت مهم این کشورها پرداخته شده است (Lukin, 2015: 23).

به هر ترتیب، پس از حل و فصل نزاع‌های مناطق مرزی در ۱۹۹۸، بیانیه آلماتی بستر همکاری‌ها در حوزه‌هایی چون مبارزه با گروه‌های جدایی طلب نژادی، افراط‌گرایی، تروریسم بین‌المللی، قاچاق تسلیحات و مواد مخدر و دیگر فعالیت‌ها در نقاط مرزی را گسترش داد (Norling & Swanstrom, 2007: 431). در ادامه، رئیس‌جمهور وقت چین (جیانگ زمین) در سال ۲۰۰۰ پیشنهاد ایجاد ماهیت ویژه را برای این همکاری چندجانبه ارائه داد و پس از آن در ژوئن ۲۰۰۱ گروه شانگهای ۵ به سازمان همکاری شانگهای تغییر نام داد و اعضا تصمیم گرفتند تا ازبکستان را نیز به‌عنوان ششمین عضو سازمان پذیرا باشند. در سال ۲۰۰۳، سازمان همکاری شانگهای رونق تجارت و توسعه را در دستور کار خود قرار داد و با پذیرش برنامه توسعه و تجارت چندجانبه، این رویکرد را جزو اهداف و اولویت‌های خود محسوب کرد. در سال ۲۰۰۴ نیز در اجلاس تاشکند، طرح اقدامات منطقه‌ای جهت همکاری‌ها و تبادلات انرژی

1. Border Regions Military Trust in Treaty on Deepening

در دستور کار قرار گرفت. در همین اجلاس نیز دبیرخانه دائمی سازمان (در پکن) به وجود آمد. همچنین در اجلاس آستانه در سال ۲۰۰۵، طرح ایجاد بانک داخلی در سازمان همکاری شانگهای مطرح شد که این بانک اکنون تلاش دارد تا به تقویت همکاری‌های خود با دیگر بانک‌های مهم کشورهای عضو سازمان شانگهای مبادرت ورزد و در اجرای پروژه‌ها با سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه و چندجانبه تلاش کند (Hansen, 2008: 220). در همین اجلاس نیز بر امنیت منطقه‌ای و نهادینه شدن ساختار ضدتروریسم منطقه‌ای^۱ تأکید شد که این ساختار مسئولیت تأمین امنیت در منطقه آسیای مرکزی و تضمین همکاری‌ها در زمینه‌های نظامی، پلیسی و نیروهای ویژه کشورهای عضو را به عهده داشت.

در واقع، ساختار مبارزه با تروریسم منطقه‌ای بر هماهنگی عملیات و سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای عضو تأکید دارد و از این قبیل عملیات، حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک به عمل می‌آورد (Aris, 2012: 453). به هر حال، در ابتدا این ساختار بر جنگ علیه گروه‌های اویغور^۲ در چین، گروه‌های چچنی در روسیه و حزب التحریر و حرکت‌های افراطی ترکستان در سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان تمرکز داشت. در ژوئن ۲۰۰۶ نیز شورای تجاری شانگهای ایجاد شد، که دبیرخانه آن در مسکو قرار داشت؛ این شورا شامل رئیس، معاون رئیس و هیأت‌هایی از نمایندگان کشورهای عضو بود. جدای از این تلاش‌ها، سازمان همکاری شانگهای به‌طور مکرر چندین عملیات نظامی (با هدف تأمین امنیت فوری در قبال حملات تروریستی) مانند مأموریت تأمین صلح در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ طراحی و اجرا کرده است. در این میان، طرح مأموریت برای تأمین صلح ۲۰۱۰ به میزبانی قزاقستان موفق‌ترین عملیات امنیتی سازمان محسوب می‌شود که موجب پیشرفت‌های زیادی در زمینه همکاری‌های امنیتی میان کشورهای عضو شد. در این عملیات، مانورهای شبانه و مشارکت بمب‌افکن‌های چینی مشهود بود (Boland, 2011: 12).

علاوه بر همه این تلاش‌ها در به‌کارگیری قدرت سخت، سازمان همکاری شانگهای همواره سعی کرده تا بر قدرت نرم خود نیز بیفزاید. در این زمینه می‌توان به تشکیل کمیته‌های ناظران انتخابات در سازمان و همچنین کمک‌های ویژه به چین و پاکستان (پس از زمین‌لرزه استان سی‌چوآن^۳ در سال ۲۰۰۸ و سیل در پاکستان در سال ۲۰۱۰) اشاره کرد. امروزه سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان یک سازمان چندجانبه قدرتمند در منطقه اوراسیا ظهور پیدا کرده و توجهات بین‌المللی را به خود جلب کرده است (Kumar, 2013: 346-347).

-
1. Regional Anti Terrorism Structure
 2. Uighur groups
 3. Sichuan

عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای

در پی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای به عنوان عضو ناظر از سال ۲۰۰۵، مباحث زیادی در داخل و خارج این سازمان، در مورد امکان عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در این سازمان مطرح شده است. تحلیل گران فرصت‌ها و چالش‌هایی را در این خصوص ارائه کرده‌اند که براساس عواملی مانند محیط سیاسی بین‌المللی، امنیت اعضای سازمان، وضعیت بین‌المللی ایران و روابط بین روسیه و چین در یک طرف و روابط آمریکا و اتحادیه اروپا در طرف مقابل، می‌تواند در خروجی این تصمیم دخیل باشد (Mousavi & Khodaei, 2013:196). در ادامه به هر یک از فرصت‌های و چالش‌های پیش‌روی ایران پرداخته می‌شود.

الف) فرصت‌های عضویت ایران در سازمان شانگهای

ایران به علت موقعیت جغرافیایی خود از دیرباز محل ارتباط شرق و غرب بوده است، علاوه بر آن جمهوری اسلامی ایران در محل تلاقی محور عمودی شمال - جنوب منابع انرژی و محور افقی شرق و غرب مصرف انرژی قرار داشته و همچنین مانند پلی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را که محصور در خشکی اند، به خلیج فارس مرتبط می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۶۰). با این تفاسیر جمهوری اسلامی ایران دارای پتانسیل ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک عظیمی است که فرصتی برای دستیابی به عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای محسوب می‌شود.

موقعیت استراتژیک

جمهوری اسلامی ایران دارای سه امتیاز جغرافیایی در جهان و به شرح زیر است: اول اینکه ایران متصل به موقعیت بری اوراسیاست؛ ثانیاً به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است؛ ثالثاً به لحاظ در اختیار داشتن تنگه هرمز، که در حدود یک سوم تجارت جهانی انرژی از آن صورت می‌گیرد، موقعیت ویژه‌ای دارد. از لحاظ موقعیت جغرافیایی، ایران نسبت به حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامون خود از موقعیت مرکزی برخوردار است. در واقع ایران به عنوان کشوری با نسبت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیک اطراف خود حضور دارد و در پیدایش شکل‌های منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های ژئوپلیتیکی و کارکرد آن نقش مؤثری دارد و فرایند سیاسی این حوزه را شکل می‌دهد (متقی، ۱۳۹۲: ۲۸-۲۹).

جمهوری اسلامی ایران از نظر منابع نفتی با دارا بودن ۱۵۷ میلیارد بشکه نفت، ۹/۴ درصد از کل ذخایر نفتی جهان را به خود اختصاص داده است. جدا از منابع غنی نفتی، ایران اولین

دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان (معادل ۳۳/۶ درصد از کل ذخایر گاز طبیعی جهان) به‌شمار می‌رود (BP, 2013: 6-20). همچنین منابع متعدد و گسترده معدنی دیگری چون زغال‌سنگ، مس، آلومینیوم، گوگرد، اورانیوم، طلا، منگنز، سرب، روی و ... ایران را به‌عنوان کشور غنی در جهان مشخص می‌کند (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۰: ۲۰۲-۲۰۱).

از این رو عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای نه تنها به نفع ایران (در جهت افزایش قدرت چانه‌زنی بر سر قیمت گاز و نفت) خواهد بود، بلکه با پتانسیل عظیم ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود می‌تواند در قدرتمندی سازمان شانگهای تأثیر بسزایی داشته باشد. در این مورد روسیه و ایران می‌توانند با ابزار گازی و نفتی و ایجاد سطح قیمت مورد توافق، تأثیرگذاری خود در سطح جهانی دوچندان کنند. در حقیقت وضعیت ژئواستراتژیک ایران در غرب آسیا و جایگاه آن به‌عنوان پل میان غرب و شرق از یک سو و بین آسیای مرکزی و آب‌های گرم خلیج فارس و اقیانوس هند از سوی دیگر، از نظر اعضای شانگهای عامل مهم جذابی محسوب می‌شود.

با این تفاسیر عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای پتانسیل عظیمی را به این سازمان و به تبع کشورهای عضو ارائه می‌کند که در تأثیرگذاری بیشتر این سازمان نقش بسزایی دارد. مطابق گفته آندرانیک درانکیان^۱ «متخصصان و تحلیل‌گران امنیتی و سیاسی روسیه بر این عقیده‌اند که عضویت ایران به دلیل موقعیت استراتژیک و منابع غنی نفتی، گازی و ذخایر طبیعی سرشار این کشور، برای قدرتمندی و تأثیرگذاری سازمان شانگهای بسیار مؤثر واقع خواهد شد و شاید مهم‌ترین دلیل این مسئله که چرا غرب همواره با عضویت و دسترسی ایران به سازمان همکاری شانگهای مخالفت کرده همین نکته باشد». علاوه بر آن، تأمین انرژی به‌عنوان موتور رشد و توسعه در آسیا برای کشورهای چین، ژاپن و هند ضروری است و منابع انرژی فراوان ایران در دریای خزر و خلیج فارس، موقعیت ژئواکونومیک ایران را تقویت می‌کند. در واقع امنیت انرژی برای غرب و پتانسیل عظیم گازی و نفتی منطقه دریای خزر این منطقه را به حوزه رقابت و توجه جهانی بدل کرده است. روسیه، چین و ایران هر سه نگران نفوذ آمریکا در این منطقه هستند. علاوه بر این، روسیه روابط نزدیک ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی با غرب را به‌عنوان نگرانی ژئوپلیتیک در خارج نزدیک خود در نظر می‌گیرد. همچنین همکاری ایران، روسیه و چین، برای منافع آمریکا خطری جدی تلقی می‌شود (Mousavi & Khodaei, 2013: 196-197).

در حقیقت، پس از فروپاشی شوروی و ظهور کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی، هدف مشترک دو کشور روسیه و جمهوری اسلامی ایران جلوگیری از تسلط و نفوذ آمریکا،

ترکیه و عربستان در این منطقه بوده است. ایران و روسیه در این برهه روابط خود را بهبود بخشیدند و پس از ملاقات سران سازمان امنیت و همکاری اروپا در ۱۹۹۹ زمانی که آمریکا اولویت خود را در تأسیس خط لوله باکو - تفلیس - جیحان مطرح کرد، در مقابل جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روسیه، محور استراتژیک شمال جنوب (مسکو - ایروان - تهران) را ارائه کرد که در تضاد با محور غرب به شرق (واشنگتن - آنکارا - باکو - تاشکند) بود. در واقع این همکاری ایران و روسیه به منظور جلوگیری از تسلط آمریکا بر منطقه با استفاده از دسترسی به راه اصلی انتقال نفت و گاز در قرن بیست و یکم تلقی می‌شود (Mousavi & Khodaei, 2013: 197).

منبع ثبات

در واقع هدف عمده ایجاد سازمان همکاری شانگهای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه محسوب می‌شود و نگرانی مهم اعضای مؤسس این سازمان خطر افراط‌گرایی و تروریسم است و این سازمان با هدف مقابله با سه محور تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی تأسیس شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اینکه قربانی این قبیل اقدامات خرابکارانه محسوب می‌شود، می‌تواند به‌عنوان بهترین متحد علیه این سه محور و ایجاد صلح و ثبات در منطقه تلقی شود. ایران در طول جنگ علیه طالبان در افغانستان ثابت کرد که می‌تواند به‌عنوان یک متحد قابل اعتماد علیه افراط‌گرایی طالبانی و تروریسم القاعده محسوب شود. از نظر اعتقادی، جمهوری اسلامی ایران همواره با تفسیر وهابی - سلفی رژیم سعودی، القاعده و طالبان از اسلام مخالفت و مقابله کرده است. ایران همچنین نقش مؤثر و سازنده‌ای در حفظ صلح و ثبات در منطقه آسیای مرکزی به‌ویژه در تاجیکستان (با ایفای نقش میانجی بین دولت تاجیکستان و احزاب اسلامی این کشور) داشته و تلاش این کشور در حل و فصل بحران قره‌باغ شایان ذکر است. همچنین با توجه به مرکزیت تهدید رادیکالیسم و بی‌ثباتی در افغانستان، حضور جمهوری اسلامی ایران در ائتلاف شانگهای بسیار مؤثر است. جدا از این مسائل، ایران با توجه به سیاست مستقل از غرب می‌تواند به‌عنوان متحد قابل اعتمادی محسوب شود. کشورهای آسیای مرکزی همواره نگران مداخله و نفوذ آمریکا در امور داخلی خود هستند که این نگرانی برآمده از مداخله آمریکا و غرب در انقلاب‌های رنگی این کشورها بوده است. در واقع آمریکا و متحدانش به دنبال منافع خود از طریق گسترش بی‌ثباتی در آسیای مرکزی با ایجاد رژیم‌های طرفدار غرب و ضعیف شدن سازمان شانگهای هستند. کمال‌الدین ربیع‌موو^۱ یکی از تحلیل‌گران ازبکستان عقیده دارد که «عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای به

نفع ازبکستان است؛ زیرا احساسات ضدآمریکایی و سیاست مستقل از غرب با عضویت ایران در سازمان شانگهای گسترش می‌یابد و دولت ازبکستان با این اهرم می‌تواند امنیت و ثبات خود را تأمین کند» (Mousavi & Khodaei, 2013: 197-198).

متحدان قابل اعتماد

اگرچه مقابله با هژمونی آمریکا، به صورت رسمی از اهداف تأسیس سازمان شانگهای، ذکر نشده است، دو کشور چین و روسیه یکجانبه‌گرایی آمریکا را تهدیدی علیه اهداف ملی خویش تلقی می‌کنند و به ایجاد نظم جهانی جدید و نظامی چندقطبی تمایل دارند. روسیه و چین همچنین نگران نفوذ آمریکا و ناتو و گسترش آن به سمت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز هستند. در سال ۲۰۰۵، آمریکا درخواست عضویت خود در سازمان شانگهای به‌عنوان ناظر را ارائه داد، که توسط اعضا رد شد. ایالات متحده با هدف تأمین منافع خود از جمله تنوع‌بخشی به منابع انرژی، گسترش حضور نظامی - سیاسی خود در منطقه و از همه مهم‌تر مهار روسیه به منطقه آسیای مرکزی می‌نگرد (احمدی و جلیل‌پیران، ۱۳۸۹: ۱۳۱)، درحالی‌که روسیه همواره گسترش ناتو در محیط نزدیک خود را، یک تهدید قلمداد کرده و مقامات روس بارها نگرانی خود را مبنی بر گسترش ناتو به منطقه آسیای مرکزی و عضویت احتمالی این کشورها در ناتو ابراز کرده‌اند. با این تفاسیر، برخی تحلیل‌گران، سازمان همکاری شانگهای را نسخه‌ای شرقی برای مقابله با گسترش ناتو قلمداد می‌کنند. در مقطع همکاری نزدیک کشورهای آسیای مرکزی و آمریکا در جنگ افغانستان، احتمال عضویت کشورهای آسیای مرکزی در ناتو محتمل به نظر می‌رسید و در این مورد همواره مقامات روس از ایجاد پایگاه‌های نظامی آمریکا در دو کشور ازبکستان و قرقیزستان ابراز نگرانی می‌کردند. چین نیز نگران نفوذ هژمونی آمریکا در غرب آسیا و آسیای مرکزی است. در سال ۲۰۰۲، زمانی‌که جرج بوش سه کشور ایران، کره شمالی و لیبی را به‌عنوان محور شرارت قلمداد کرد، در مدت کوتاهی رئیس‌جمهور وقت چین (جیانگ زمین)، در پاسخ به بوش از تهران دیدار کرد. این سفر حاوی این پیام بود که چین مخالف یکجانبه‌گرایی آمریکا و تسلط این کشور بر غرب آسیا و دیگر مناطق است (Mousavi & Khodaei, 2013: 198-199).

علاوه بر آن، این کشور در تولید زیرکونیوم که ایران را قادر به تولید سوخت راکتور هسته‌ای خود می‌کرد، یاری رساند و از آغاز مسئله برنامه هسته‌ای ایران همواره خواهان حل و فصل موضوع در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود (Aylin, 2006: 88). به این ترتیب می‌توان مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا را از جمله اهداف مشترک روسیه و چین به‌شمار آورد و در همین زمینه روسیه و متحدان آن در آسیای مرکزی می‌خواهند با همراهی چین، موازنه قدرتی در برابر هژمونی آمریکا در عرصه نظام بین‌المللی پس از جنگ سرد ایجاد کنند که این

مهم در قالب سازمان همکاری شانگهای تبلور می‌یابد (رضایی و صالحی، ۱۳۸۹: ۶۰). در این میان، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای مستقل می‌تواند به‌عنوان شریک راهبردی روسیه و چین که نگرش مشترکی برای مقابله با هژمونی آمریکا و جهت‌گیری به سمت جهان چندقطبی دارد، تلقی شود. ضدیت جمهوری اسلامی ایران با آمریکا که کشوری بانفوذ در جهان اسلام به‌شمار می‌رود، همچنین موقعیت ژئواستراتژیک آن در غرب آسیا (به‌دلیل امکان تماس با آسیای مرکزی و دسترسی به خلیج فارس)، ظرفیت‌های راهبردی این کشور محسوب می‌شود. از این رو می‌توان مثلث ایران، روسیه و چین را به‌عنوان اتحاد اوراسیایی علیه یکجانبه‌گرایی آمریکا در غرب آسیا و آسیای مرکزی قلمداد کرد (Mousavi & Khodaei, 2013: 199).

ب) چالش‌های عضویت ایران در سازمان شانگهای

اگرچه منافع زیادی برای عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای برشمرده می‌شود، در این راه مشکلات و چالش‌های چندی پیش‌روی دستیابی به این مهم وجود دارد، که در ادامه بررسی می‌شود.

مخالفت برخی اعضای سازمان همکاری شانگهای با گسترش عضویت در سازمان

در حال حاضر، دیدگاه‌های متفاوتی در میان اعضای سازمان همکاری شانگهای در مورد پذیرش و عضویت دائم کشورها در این سازمان وجود دارد. برای مثال مقامات چینی معتقدند که گسترش و توسعه سازمان همکاری شانگهای اجتناب‌ناپذیر است، اما با رویکرد تدریجی و احتیاط باید به آن نگریست و از نظر آنان، شمولیت اعضای جدید در سازمان باید با روش گام‌به‌گام (پذیرش به‌عنوان عضو ناظر، شرکای گفت‌وگو و در آخر عضویت دائم) انجام پذیرد. در واقع پیامد این دیدگاه این است که کشورهای مستعد باید آمادگی سیاسی، قانونی و فنی برای عضویت در این سازمان را به‌دست آورند، که این امر کاری بلندمدت به‌حساب می‌آید (Roy, 2012: 647).

بخشی از اعضای سازمان مانند ازبکستان از اظهار نظر رسمی مبنی بر تمایل به گسترش و عضویت اعضای جدید در سازمان خودداری می‌کنند. مقامات قرقیزستان نیز بیان می‌دارند که سازمان پیش از هر چیز باید بر گسترش روابط جاری میان اعضا و حل‌وفصل مشکلات موجود در این روابط مبادرت ورزد (Krishna, 2012: 15). اگرچه تاجیکستان در میان اعضای دیگر سازمان تمایل بیشتری به پذیرش اعضای جدید، ابراز داشته و از پذیرش دو کشور جمهوری اسلامی ایران و هند حمایت به‌عمل آورده، این کشور نیز شرایطی مانند پیشرفت

اقتصادی و حل‌وفصل مشکلات امنیتی را به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر در پذیرش اعضای جدید مدنظر قرار داده است (Kundu, 2009: 7).

در سوی دیگر سازمان، روسیه تنها کشوری است که به‌شدت از گسترش اعضای سازمان استقبال کرده است. از نظر مقامات روسی، گسترش و پذیرش اعضای جدید در سازمان، موجب تقویت منابع مالی سازمان می‌شود، چراکه در حال حاضر سازمان با بودجه‌ای کمتر از ۴ میلیون دلار نمی‌تواند به اهداف و برنامه‌هایش دست پیدا کند (Kumar, 2013: 353). جدا از این مسائل، سیاست خارجی روسیه در قبال ایران همواره با تناقض روبه‌رو بوده است. تهران بخشی از سیاست خارجی مسکو قلمداد می‌شود. در واقع، هر زمان که روابط روسیه و غرب به سردی گراییده، اهمیت ایران افزایش یافته است و برعکس. در واقع روابط روسیه با ایران عامل موازنه روسیه در قبال غرب محسوب می‌شود. برای مثال پس از جنگ ۲۰۰۸ در گرجستان، مسکو و واشنگتن به‌صورت غیررسمی توافق کردند، واشنگتن در قبال به رسمیت شناختن استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی توسط روسیه عکس‌العملی نشان ندهد و در مقابل روسیه از تحریم‌ها علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد حمایت کند (Lukin, 2015: 7). به این ترتیب، کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، نگرش یکسانی نسبت به پذیرش اعضا و گسترش سازمان ندارند که این مسئله نیز مانعی برای ایران (در مسیر عضویت در سازمان) محسوب می‌شود.

فشار غرب

روابط جمهوری اسلامی ایران و غرب به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۳ به بعد، با توجه به توسعه برنامه هسته‌ای ایران، با چالش بیشتری روبه‌رو شد. اگرچه ایران همواره بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای‌اش تأکید داشته و بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این امر را تأیید کرده‌اند، ولیکن آمریکا و رژیم اشغالگر قدس این مسئله را همراه با تردید نگریستند و با تبلیغات سوء، برنامه هسته‌ای ایران را زمینه‌ای برای دستیابی به تسلیحات اتمی جلوه دادند. در حقیقت این چالش ریشه در عدم اعتماد متقابل و افزایش مواجهه ایران و آمریکا دارد. در واقع فشار آمریکا بر ایران به‌وسیله تحریم‌های بین‌المللی از جمله موانع عمده عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای است. جدا از این مسائل، اگرچه مقاومت ایران علیه هژمونی آمریکا را می‌توان عاملی مهم برای عضویت در شانگهای به‌شمار آورد، این مسئله به‌طور رسمی رویکردی ضدآمریکایی به سازمان می‌دهد که برخی از کشورها از این مسئله نگران هستند. برای مثال از نظر چین، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی مانند قزاقستان و ازبکستان عضویت دائم ایران در سازمان، با وجود مزیت‌های امنیتی و اقتصادی، کلیه مسائل سازمان را

تحت الشعاع تقابل ایران و آمریکا قرار می‌دهد. در ملاقات سران کشورهای عضو در تاشکند در سال ۲۰۱۰، اگرچه پیش‌نویس دستورالعمل پذیرش اعضای جدید در سازمان به تصویب رسید، رئیس‌جمهور وقت روسیه با بیان اینکه کشورهایی که با تحریم‌های سازمان ملل روبه‌رو هستند نمی‌توانند به عضویت دائم سازمان درآیند، عملاً عضویت ایران را مشروط دانست. در واقع این مورد مهم‌ترین مانع ایران برای عضویت در سازمان شانگهای محسوب می‌شود (Mousavi & Khodaei, 2013: 199-200).

اعضای سازمان همکاری شانگهای از جمله روسیه تأکید دارند که تبدیل سازمان شانگهای به یک بلوک نظامی امنیتی بر ضد غرب با اصل عدم مقابله‌جویی این سازمان و نیز رویکرد عمل‌گرایی مسکو در عرصه خارجی در تضاد آشکار است. روسیه پس از به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین و تسلط رویکرد عمل‌گرایی در سیاست خارجی این کشور، تمایل جدی به ایجاد رابطه وسیع با آمریکا نشان داده است. او سه اصل نوسازی اقتصادی، دستیابی به جایگاهی بایسته در فرایند رقابت جهانی و اعاده جایگاه روسیه در عرصه بین‌المللی را به‌عنوان قدرتی بزرگ، مبنای سیاست خارجی کشورش قرار داده است و تعامل با غرب به‌ویژه آمریکا را عنصری مهم در عملیاتی شدن این اهداف می‌داند. چین نیز که آمریکا را به‌عنوان اولین شریک اقتصادی خود در نظر می‌گیرد، تمایلی ندارد تا حمایتی همه‌جانبه از ایران به‌عمل آورد. علاوه بر آن، برخی از کشورهای آسیای مرکزی روابط خوبی با آمریکا دارند و از این کشورها انتظار نمی‌رود تا در ائتلافی با مشارکت ایران علیه غرب و آمریکا حضور پیدا کنند (ibid: 200-201).

افراط‌گرایی

جنبش‌های افراطی در شکل‌های متفاوت در شش کشور عضو سازمان شانگهای وجود دارند. روسیه پس از فروپاشی شوروی همواره با جدایی‌طلبان چینی روبه‌رو بوده و با استفاده از نیروی نظامی این تهدید را سرکوب کرده است. چین نیز با اعتراضات گروه اویغور در استان سین کیانگ مواجه بوده و در سال ۲۰۰۷ از نیروی نظامی برای سرکوب این جنبش‌های جدایی‌طلب استفاده کرده است. چهار عضو دیگر شانگهای نیز با افزایش گروه‌های رادیکال در کشورشان روبه‌رو بوده‌اند. در واقع مواجهه ادامه‌دار میان حکومت سکولار و گروه‌های افراط‌گرای دینی که ریشه در هفتاد سال دین‌زدایی اتحاد شوروی دارد، همچنان در کشورهای آسیای مرکزی نمود فراوانی دارد. در این فضا و بر اثر تبلیغات رسانه‌های غربی، ایران از دید برخی مقامات منطقه آسیای مرکزی، حامی و مروج افراط‌گرایی دینی است. اما در حقیقت بیشتر مسلمانان آسیای مرکزی مسلمان سنی‌مذهب‌اند که تأثیر اندکی از ایران (شیعه‌مذهب)

می‌پذیرند. علاوه بر این بیشتر جنبش‌های افراطی آسیای مرکزی تشکیلات سازمانی در کشورهایمانند پاکستان، عربستان و قطر دارند. به هر حال در سال‌های اخیر کشورهای عضو سازمان شانگهای رویکردهای متفاوتی را در قبال ایران به‌کار گرفته‌اند. چین و روسیه روابط خود را با ایران براساس سیاست ارتباط نزدیک بهبود بخشیده‌اند و تلاش دارند تا جدایی‌طلبان و گروه‌های افراطی را مهار کنند. در سوی دیگر، چهار کشور دیگر عضو شانگهای، راهبرد محتاطانه‌ای را در روابط خود با ایران اتخاذ کرده‌اند. برای مثال ازبکستان پیشنهاد ایران مبنی بر ایجاد مرکز فرهنگی ایران در سمرقند و بخارا در سال ۱۹۹۳ را نپذیرفت، با این سوءظن که این مرکز می‌تواند ترویج‌گر افکار و عقاید افراطی اسلامی باشد. علاوه بر آن، مقامات قزاقستان نیز مطابق با این رویکرد، اجازه تأسیس کتابخانه فرهنگی ایران را در این کشور ندادند. با این حال، جمهوری اسلامی ایران نیز مانند کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به جبهه مبارزه جهانی علیه تروریسم ملحق شد. از سوی دیگر ایران از مجاهدین افغان در جهت ایجاد حکومتی مردمی در افغانستان و مقابله با طالبان حمایت به‌عمل آورد. تا جایی که در سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۶ ایران تنها حامی ائتلاف شمال افغانستان در برابر طالبان بود (Mousavi & Khodaei, 2013:202). علاوه بر آن، در موضوع بحران تاجیکستان نمی‌توان نقش آشتی‌جویانه ایران در سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ و سرانجام حل‌وفصل بحران با وساطت ایران را نادیده گرفت (کرمی، ۱۳۹۵: ۱۳). در واقع این رویکرد ایران، به سران و مقامات کشورهای آسیای مرکزی فهماند که استراتژی محتاطانه آنها در قبال ایران ناشی از عدم ادراک صحیح در سیاست خارجی و نشانگر کاربردی بودن همکاری با جمهوری اسلامی ایران است. در حقیقت رأی مثبت چهار کشور آسیای مرکزی به پذیرش عضویت ناظر ایران در شانگهای (۲۰۰۵) را می‌توان ناشی از تغییر رویکرد رهبران این کشورها در ارتباط با ایران تلقی کرد (Mousavi & Khodaei, 2013:203).

منافع ویژه و خاص اعضای شانگهای

اعضای سازمان همکاری شانگهای ملاحظات خاصی را در مورد پذیرش اعضای جدید در نظر می‌گیرند. در حقیقت عضویت دائم ایران در شانگهای منافع برخی از اعضا را با چالش مواجه می‌سازد و این مسئله به‌منزله عاملی منفی در پذیرش ایران در این سازمان در نظر گرفته می‌شود. چین و روسیه هر دو از نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی نگران هستند. ایران با کشورهای آسیای مرکزی دارای تاریخ، فرهنگ و دین مشترک است که این مسئله از نفوذ روسیه و چین در این منطقه می‌کاهد. مقامات روس همچنین از رویکرد ایران

مبنی بر ایجاد سازمانی از کشورهای پیرامون حوزه دریای خزر که موجب گسترش نفوذ و تسلط هرچه بیشتر این کشور در این منطقه خواهد شد، استقبال نمی‌کنند (ibid).

ایران در سال ۱۹۹۳، پیشنهاد تشکیل سازمان کشورهای ساحلی دریای خزر را ارائه کرد که با مخالفت روسیه هنوز چنین نهادی شکل نگرفته است. اساساً روسیه حضور نهادینه و سازمانی جمهوری اسلامی ایران در منطقه پیرامون خود و در حوزه کشورهای آسیای مرکزی را نمی‌پسندد (کرمی، ۱۳۹۵: ۹). همچنین ایران به‌عنوان رقیب بزرگ روسیه در حوزه تولید نفت و گاز مطرح است. جدا از این، چین به‌عنوان کشور مصرف‌کننده منابع انرژی عرصه‌ای برای رقابت میان ایران و روسیه تلقی می‌شود. از دیگر سو، کشورهای آسیای مرکزی، ایران را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در نظر می‌گیرند و باور دارند عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران و قدرت‌های منطقه‌ای دیگر مانند هند و پاکستان در پیمان شانگهای موجب به حاشیه راندن کشورهای آسیای مرکزی در سازمان خواهد شد (Mousavi & Khodaei, 2013: 204). جدا از این مسائل، کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان با توجه به هم‌خانواده بودن زبان و قومیت آنان با زبان و قومیت ترکی، روابط فرهنگی با کشور ترکیه دارند و در این زمینه ترکیه رقیب ژئوپلیتیک ایران در منطقه محسوب می‌شود. همچنین ازبکستان روابط نزدیکی با تاجیکستان دارد و نزدیکی روابط ایران با تاجیکستان را تهدیدی علیه منافع خود می‌داند (Aylin, 2006: 3).

نتیجه

تأملی بر موقعیت خاص ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران و مواجهه آن با چالش‌های مستمر پیرامونی حوزه خود چون تروریسم، افراط‌گرایی، جنایات سازمان‌یافته، وقوع بلایای طبیعی، قاچاق مواد مخدر از یک سو و وجود فرصت‌های مغتنم برای افزون‌سازی منافع خود از سوی دیگر، این واقعیت را گوشزد می‌کند که تهران می‌تواند با حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای به‌نحو بهینه‌تری به تهدیدات پاسخ گوید و از فرصت‌ها استفاده کند. از نظر بیشتر تحلیل‌گران جمهوری اسلامی حلقه مفقوده همگرایی اقتصادی در آسیای مرکزی است. از این‌رو سازمان همکاری شانگهای با حضور جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در دستیابی به اهداف اصلی خود در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، ارتباطی، امنیتی و ... موفقیتی گسترده داشته باشد. ایران با ظرفیت ارتباطی گسترده از جمله خطوط ریلی و جاده‌ای می‌تواند منطقه محصور آسیای مرکزی را به آب‌های آزاد خلیج فارس و اقیانوس هند متصل کند. علاوه بر آن جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به‌عنوان کشوری مسلمان، معتدل و صلح‌جو با نقش ثبات‌آفرین برای تعامل بهتر با جریان‌های اسلامی برای کشورهای آسیای مرکزی و

شانگهای به‌عنوان یک فرصت ایده‌آل محسوب شود (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۴). با این حال بر سر راه عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای چالش‌هایی وجود دارد که در این مقاله با چهار عنوان مخالفت برخی از اعضای سازمان با پذیرش عضو جدید در سازمان و عواملی چون فشار غرب، افراط‌گرایی و منافع ویژه و خاص اعضای شانگهای از آنها یاد شده است که مقامات ایران باید مساعی خود را برای رفع این موانع به‌کار گیرند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. احمدی، حسین؛ جلیل‌پیران، داراب (۱۳۸۹)، «رژیم امنیتی حوزه دریای خزر پس از فروپاشی اتحاد شوروی تا سال ۲۰۰۹؛ موانع و چالش‌ها»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۳، ص ۱۴۲-۱۰۹.
۲. بزرگی، وحید؛ میرعبدالله حسینی (۱۳۸۹)، «سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم‌انداز آینده»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم، ش ۷، ص ۲۷-۱.
۳. پیشگاهی‌فرد، زهرا و همکاران (۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد، سال بیستم، ش ۶۱، ص ۲۱۱-۱۹۱.
۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ نوری، وحید (۱۳۹۱)، «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی دوران اصول‌گرایی»، مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، ش ۳، ص ۱۸۰-۱۴۹.
۵. طباطبایی، سید علی (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی رویکرد راهبردی چین، روسیه، آمریکا، هند، پاکستان و ایران به سازمان همکاری شانگهای»، راهبرد، سال بیستم، ش ۶، ص ۱۹۱-۱۶۹.
۶. کریمی، جهانگیر (۱۳۹۵)، «چرا ایران باید عضو شانگهای شود؟» قابل دسترس در: www.iras.ir.
۷. متقی، افشین (۱۳۹۲)، «تحلیل ژئوپلیتیکی مؤلفه‌های قدرت انقلاب اسلامی در جهان اسلام»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، ش ۶، ص ۴۸-۲۷.
۸. نور علی‌وند، یاسر؛ خلیلی‌پور، علی (۱۳۹۰)، «چندجانبه‌گرایی و روابط فرا آتلانتیک در افغانستان»، مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، ش ۱، ص ۲۰۰-۱۷۵.

ب) خارجی

9. Aris, Stephen (2012), "The Response of the Shanghai Cooperation Organization to the Crisis in Kyrgyzstan", *Civil Wars*, Vol.14, No.3, pp.57-482.
10. Aylin, Unver Noi(2006), "Iran and The Shanghai cooperation organization", *Perceptions*, pp.79-103.
11. Boland, Julie (2011), "Ten Years of SCO: A Lost Decade? A Partner for the US?", *Brooking Institutions Policy Paper*, pp. 1-62.
12. BP.(2013) *Statistical Review of World Energy*/bp.com/statisticalreview.
13. Hansen, Flemming Splidsboel (2008), "The Shanghai Co-operation Organization", *Asian Affairs*, Vol.XXXIX, No.1, pp.119-229.
14. Koolae, Elaheh and Mandana Tishehyar(2013), "An Outlook on Energy Cooperation Approaches in the Shanghai Cooperation Organization (SCO) Region", *Geopolitics Quarterly*, Vol.8, No.4, pp.41-71.
15. Krishna, Ananth(2012), "Observer Countries must work hard for SCO Membership, says China", *The Hindu*, Accessed on Online edition of India's National Newspaper.
16. Kumar, S.Y.Surendra (2013), "India and the Shanghai Cooperation Organization: Issues and Concerns", *International Journal of China Studies*, Vol.4, No.3, pp.343-359.
17. Kundu, Nivedita Das(2009), " India should give a closer look to The Shanghai Cooperation Organization", *Indian Council of World Affairs-Policy Brief*, pp.1-10.

18. Lukin, Alexander (2015), "Should the Shanghai Cooperation Organization Be Enlarge?", Russia in global affairs acces in <http://eng.globalaffairs.ru>.
19. Mousavi, Mohammad A & Khodaei, Esfandiar (2013), "Iran and The Shanghai Cooperation Organization", Iranian Review of Forign Affairs, Vol.4, No.1, pp.185-210.
20. Norling, Nicklas and Niklas, Swanstrom (2007), "The Shanghai Cooperation Transition, Trade and the Roles of Iran, India and Pakistan", Central Asian Survey, Vol.26, No.3, pp.429-444.
21. Roy, Meena. Singh (2012), "India's Option in the Shanghai Cooperation Organization", Strategic Analysis, Vol.36, No.4, pp.645-650.
22. Ruggie, John. Gerard (1993), Multilateralism Matters: The Theory and Praxis of an Institutional Form, New York: Columbia University Press.
23. Yuan, Jing-Dong (2010), "China's Role in Establishing and Building the Shanghai Cooperation Organization (SCO)", Journal of Contemporary China, Vol. 19, No. 6, pp. 855-869.